

بررسی تطبیقی حقوق و آزادی‌های اساسی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان

پژوهشگر: داکتر محمد عارف فصیحی دولتشاهی

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با «رعایت منشور ملل متحد» و با «احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر» به «منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی»، حفظ کرامت انسانی، تأمین و تضمین حقوق بنیادین شهروندان از تصویب نماینده گان منتخب در لویه جرگه گذشت و به توشیح ریاست جمهوری نیز رسید و از این طریق مبنا و چارچوبی برای حقوق و آزادی‌های اساسی اتباع و نیز رفتار و خط مشی دولتمردان و احزاب سیاسی را فراهم کرد. سوال اصلی مقاله پیش روی آن است با توجه به این مسأله که قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین یافته و درون مایه‌های آن‌ها را در موضوع حقوق و آزادی‌های اساسی انسان در خود جذب و نهادینه کرده است، نکات اشتراک

و افتراق اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در مورد حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان در چیست؟ پاسخ موقت به این پرسش، به عنوان فرضیه، آن است که برغم وجود وجوه تشابه و تقارب قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با اعلامیه جهانی حقوق بشر مواردی از اختلاف و افتراق در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی انسان وجود دارد. آزادی در تغییر مذهب، عینیت و تساوی کامل حقوق زن و مرد در اعلامیه، طرح حقوق و آزادی‌ها در چارچوب احکام و معتقدات دین مقدس اسلام در قانون اساسی نمونه‌هایی از اصطکاک و افتراق قانون اساسی افغانستان با اعلامیه است.

کلیدواژه‌گان: اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بشر، قانون اساسی افغانستان، حقوق و آزادی‌های اساسی، اصل محدودکننده حقوق و آزادی.

مقدمه

اعلامیه جهانی حقوق بشر که برای نخستین بار در تاریخ ملل در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی انسان از سوی مجمع عمومی که از مهمترین نهاد بین المللی محسوب می‌گردد تصویب و اعلام گردید، به زودی به عنوان آرمان مشترکی برای همه افراد بشر شناخته شده و به صورت عرف بین المللی درآمد. میثاق‌های حقوق بشری نه تنها در معاهدات و قوانین بین المللی رسوخ کرد که در قوانین ملی کشورها بازتاب سنگین و گسترده‌یی نیز پیدا کرد. به نظر برخی از نویسندگان اهمیت این اعلامیه برای کشورها، تا به آن جا رسیده است که به عنوان نمونه‌یی برای قانون اساسی کشورهایشان درآمده است. (carlos؛ ۱۹۹۸: p۵۰) هم اکنون تعداد زیادی از کشورها که داعیه دموکراسی و دفاع از حقوق شهروندی دارند، بندبند اعلامیه را به قانون داخلی خود تبدیل کرده اند. با موج فزاینده استناد به اعلامیه جهانی حقوق بشر در قوانین اساسی کشورهای جدید و تازه استقلال یافته و ایجاد سازمان‌های بین حکومتی محلی که به حقوق بشر اختصاص داشتند و در اساسنامه خود به اعلامیه جهانی استناد نموده و یا در قطعنامه‌های خود آن را تأیید کرده اند، روند الزامی شدن مقررات اعلامیه شتاب بیشتری یافته است. (جانسون؛ ۱۳۷۸: ۱۳۶) نمونه جدید این کشورها افغانستان می‌باشد.

قانون اساسی این کشور که بارعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر (مقدمه قانون اساسی؛ ۱۳۸۲) به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض، خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادیها و حقوق اساسی مردم (همانجا) از طریق نماینده گان منتخب در لویه جرگه به تصویب رسید، بر حقوق و آزادی‌های اساسی انسان تأکید و توجه ویژه به عمل آمده است. تمحّص بر حقوق و آزادی‌های شهروندی در قانون اساسی جدید افغانستان همان گونه که خود اشعار می‌دارد به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی (همانجا) و درواقع اعتراض به نقض سنگین و گسترده حقوق بشری در افغانستان و تضمین این حقوق و نیز برقراری صلح و امنیت پایدار در این کشور محنت زده بود. هم چنان که اعلامیه جهانی حقوق بشر که از دل خاکستر جنگ جهانی دوم سر برآورد اعتراضی بود علیه جنگ، نژادپرستی، تحقیر انسانیت و تلاشی برای برقراری صلح و انسانی کردن چهره جهان.

با توجه به سیطره و استیلای روح و درون مایه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر قانون اساسی افغانستان و با توجه براین که در تکوین و تصویب قانون اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشری و نیز کنواسیون‌ها و میثاق‌های این اعلامیه را ملفوظ انگاشته است، این سوال اساسی مطرح می‌شود که نکات اشتراک و افتراق اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در مورد حقوق و آزادی اساسی انسان در چیست؟ پاسخ موقت به این سوال اصلی، به عنوان فرضیه، آن است که برغم اشتراکات قابل توجهی که اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در زمینه حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان دارد، افتراقات و تفاوت‌های چشم‌گیری هم میان این دو به مثابه میثاق ملی و بین المللی وجود دارد. قانون اساسی افغانستان همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر بر شرافت و کرامت ذاتی انسان تأکید و توجه ویژه دارد. هم اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم قانون اساسی افغانستان بر حقوق بنیادینی چون: حق حیات، حق آزادی، حق امنیت، و سایر حقوق طبیعی انسان را به رسمیت می‌شناسد؛ اما قانون اساسی در برخی موارد با اعلامیه جهانی دارای تفاوت‌های جدی است که در این نوشتار به طور مستوفی

شرح داده شده است.

تعریف مفاهیم

الف) تعریف و مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر که به فرانسه *droits l'homme* و به انگلیسی *human rights* و به عربی حقوق الانسان نامیده می‌شود، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. برخی حقوق بشر را این گونه تعریف نموده است: «حقوق بشر، یعنی آن که جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند به زبان و قلم با دیگران سخن بگوید، حقوق بشر، یعنی آن که نتوان کسی را بدون حضور یک هیئت منصفه متشکل از افراد مستقل به مجازات محکوم کرد؛ یعنی، آن که محکومیت کیفری بر حسب مقررات قانونی صورت گیرد؛ یعنی، این که انسان بتواند با آرامش خاطر به هر دینی که خود بر می‌گزیند، متدین گردد». (carlos, ۱۹۹۸: ۵۰ p). حقوق بشر اساسی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود. براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی این حقوق دارای ویژه‌گی‌هایی هم‌چون جهان‌شمول بودن، سلب‌ناشدنی، انتقال‌ناپذیری، عدم تبعیض و برابری طلبی، به هم پیوسته‌گی می‌باشد. مطابق اعلامیه مذکور همه افراد انسانی فارغ از عواملی هم‌چون جغرافیا، نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب و غیره در برخورداری از این حقوق و آزادی‌ها برابر و یکسان اند. (اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ ماده ۲). جهان‌شمولی، تقسیم‌ناپذیری، همبسته‌گی و پیوسته‌گی حقوق بشر در اعلامیه چیزی است که «در اعلامیه و بر نامه عمل وین ۱۹۹۳» نیز بر آن تأکید به عمل آمده است. در این اعلامیه ضمن تأکید بر انکارناپذیری سرشت جهان‌شمولی حقوق و آزادی‌های اساسی، چنین تصریح شده است:

«تمامی انواع حقوق بشر جهان‌شمول و تقسیم‌ناپذیر اند و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند». (وزارت امور خارجه؛ ۱۳۷۶: ۶)

با این وصف، نقض حقوق بشر زمانی صورت می‌گیرد که حقوق اساسی افراد اعم از مدنی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از سوی دولت‌ها یا نهادهای دولتی و غیر دولتی

نادیده گرفته شود. هم چنین هر کسی که بخشی از پیمان بین المللی حقوق مدنی یا حقوق بشردوستانه را در مورد برخ افراد یا گروه اجتماعی نادیده انگارد در واقع حقوق بشر را نقض کرده است؛ از این رو، سازمان ملل متحد در مورد نقض حقوق بشر شورای امنیت را مامور ساخته است که در این گونه موارد تصمیم گیری کند. چنان که مطابق ماده ۳۹ منشور سازمان ملل متحد: «شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید صورت گیرد.»

افزون بر آن سازمان‌های غیر دولتی مستقل، از جمله «سازمان عفو بین الملل»، «فدراسیون بین المللی حقوق بشر»، «دیده بان حقوق بشر»، «سازمان جهانی مبارزه با شکنجه» و «خانه آزادی و آزادی بیان بین المللی» نیز به وجود آمده است. وظیفه این سازمان‌ها این است که: شواهد و مدارک و اسناد نقض حقوق بشر را جمع آوری می‌کند؛ سپس از طریق تحت فشار قرار دادن سعی بر اجرای قوانین حقوق بشر دارد. جنگ‌ها و جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت از جمله نسل‌کشی، نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه از جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر به شمار می‌روند. افشاگری و آگاه ساختن جهان و اعتراض به رفتارهای غیر انسانی اغلب منجر به درخواست برای کمک و گاهی بهبود شرایط می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حفظ صلح کار می‌کند و سایر ملل و معاهدات (ناتو)، در هنگام لزوم برای حفاظت از حقوق بشر مداخله می‌کنند؛ براساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بشر اولاً، جهانی است؛ زیرا، این حقوق، حق طبیعی و مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد بشر، در هر کجا با هر نژاد، آیین، مذهب، جنس و زبان که باشد، از این حقوق برخوردار است. ثانیاً، این حقوق ذاتی انسان است و هیچ یک از افراد بشر آن‌ها را به انسان‌ها اعطا نکرده است تا بتواند آن را باز ستاند. این گونه حقوق و آزادی‌ها ریشه در ذات و فطرت انسان‌ها دارد و کسب نشدنی است. باتوجه به این ویژگی‌ها بود که پس از اعلامیه، افراد جهان خود را به صورت خانواده واحد تلقی نمود. «دیگر حقوق بشر مقید به هیچ حدود

و مرز جغرافیایی، نژادی، طبقاتی و ... نبود.» (هاشمی؛ ۱۳۸۴: ۷) در ضمن این اعلامیه نه تنها جنبه عرفی پیدا کرده که به گفته یکی از نویسندگان خصوصیت قواعد امره را نیز احراز کرده است. (شریفیان؛ ۱۳۸۰: ص ۵۶) البته همه مقررات اعلامیه، واجد قانون عرفی بین المللی نیستند؛ ولی نقض برخی از این حقوق، تجاوز به حقوق بین الملل به حساب می آید؛ مانند کشتار جمعی، برده گری، شکنجه، بازداشت طولانی مدت خود سرانه و تبعیض نژادی سیستماتیک. (عباسی اشلقی؛ ۱۳۸۳: شماره ۲۰۱-۲۰۲، ۹۵)

ب) تعریف و مفهوم قانون اساسی

دانش پژوهان حقوق اساسی برای قانون اساسی، تعریف های متفاوتی ارائه کرده اند. این تعریف های متعدد با توجه به دو معیارهای شکلی و محتوایی صورت گرفته است. قانون اساسی با توجه به معیار شکلی عبارت است از: «مجموعه قواعد اساسی سازمان دهنده دولت که به شکل یک سند رسمی قانونی توسط مقامات ویژه صلاحیت دار، تصویب و صادر شده باشد (شیخا؛ ۱۳۷۴: ۳۲) یا مجموعه قواعدی که در سندی به نام قانون اساسی گرد آمده و تصویب و بازنگری آن، با تشریفات ویژه و متفاوت با تشریفات وضع و بازنگری قوانین عادی، صورت می گیرد.» (همان)

قانون اساسی طبق معیار محتوایی به شرح زیر تعریف شده است:

«قانون اساسی... قواعد حکومت را تنظیم و قدرتها را تقسیم و وظایف هر یک را بیان میکند و برای حفظ حقوق افراد، ضمانتهای اساسی وضع می نماید و میزان سلطه دولت بر افراد را نیز مشخص میکند.» (شیخا؛ همان، ص ۳۶) قانون اساسی از یک سو حدود آزادی فرد را در برابر عمل کرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی، ترسیم می نماید. (قاضی؛ ۱۳۸۰: ۹۰)

با توجه به تعاریف فوق می توان گفت که:

قانون اساسی افغانستان قانونی است که اصول و مقررات نظام حکومتی، چگونه گری حکومت و حدود و اختیارات آن، اساس قوای اداره کننده کشور و حقوق و وظایف افراد را

معین می‌سازد. قانون اساسی قانونی است که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسؤولیت‌هایی در برابر ملت دارند؛ علاوه بر این قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی کشور افغانستان و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. هیچ قانون و مقرراتی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

بررسی اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان

(۱) بررسی اعلامیه جهانی حقوق بشر

۱-۱. روند تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر که مهم‌ترین میثاق و سند بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهد، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در شهر پاریس به تصویب رسید. این اعلامیه نتیجه مستقیم جنگ جهانی دوم بوده و برای نخستین بار حقوق بنیادین مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌یی را که تمام انبای بشر در هر کشوری بایستی از آن بهره‌مند باشند، به صورت جهانی مشخص و بیان کرده است. درواقع، حوادث تکان‌دهنده و وحشتناک جنگ جهانی دوم زمینه‌ماهیت جوهری این اعلامیه را فراهم کرد. از این زمان است که نیاز جدی به تدوین قوانین حقوق بشر احساس می‌شود. به عبارت دیگر وحشت و رعبی که نازیها به وجود آوردند؛ موجب علاقمندی گسترده نسبت به حقوق بشر شد. (ذاکریان؛ ۱۳۸۱: ص ۴۰).

فرانکلین روزولت در ۶ ژانویه ۱۹۴۱ پامی به کنگره فرستاد و در آن تأکید کرد که باید

در سراسر جهان چهار آزادی تأمین شود:

۱. آزادی نطق و بیان، آزادی عقیده و بعدها آزادی مطبوعات نیز بر آن افزوده شد؛

۲. آزادی دین و مذهب و مرام سیاسی؛

۳. آزادی یا رهایی از احتیاج؛

۴. آزادی از ترس؛

وی این چهار اصل را چندماه بعد به اتفاق چرچیل وارد منشور اتلانتیک کرده منتشر ساخت؛ چنان که می‌دانیم اصول آن به طور نسبی در اعلامیه ملل متحد ۱۹۴۲ گنجانده شد. (حلبی؛ ۱۳۷۰:ص ۱۴) با تدوین منشور ملل متحد توجه ملل پیروز در جنگ بر حقوق بشر معطوف گردید. به نظر آن‌ها یکی از عوامل اصلی آغاز و ادامه جنگ جهانی دوم بی‌توجهی نسبت به حقوق بشر بوده است. با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم، منشور سازمان ملل متحد بر نقش سازمان به ویژه مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر در حمایت از حقوق و آزادی‌ها به شرط عدم دخالت در حاکمیت دولت‌ها صحنه گذارد. (ذاکریان؛ همان، ص ۴۰) بر همین مناسبت که اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها و میثاق‌های حقوق بشر در سازمان ملل متحد شکل می‌گیرند. (w.a.shabas dimensions, ۱۹۹۶: ۷۷ p)

اولین و مهمترین اقدام سازمان ملل متحد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر است. خانم روزولت رئیس کمیسیون در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را به مجمع عمومی سازمان ملل در کاخ شایوت پاریس تقدیم نمود که با اکثریت آرا به تصویب دولت‌های عضو رسید. به گفته رئیس وقت مجمع عمومی، پذیرش این اعلامیه با اکثریت بزرگ بدون مخالفت، دستاورد چشم‌گیر بوده است. (جانسون؛ ۱۳۷۷: ۸۷)

افغانستان که به عنوان یک کشور مستقل در این کمیسیون حضور داشت از جمله کشورهایی بود که موافقت خود را با آن اعلام نمود؛ اما به گفته داکتر عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس فدراسیونهای جهانی حقوق بشر، رأی افغانستان این کشور را در ردیف اولین کشورهای قرار داد که در ترویج لفظ و مفهوم حقوق بشر مشارکت کرده اند (Afghanistan watch.persianblog.ir/post/۱۰)؛ پس از چند سال مشخص شد که اعلامیه جهانی به دلیل ارشادی بودن و ملزم نبودن دولت‌ها به اجرای آن کفایت نمی‌کند. به این دلیل در سال ۱۹۹۶ دو سند دیگر یکی به نام «میثاق حقوق سیاسی و مدنی» و دیگری «میثاق حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» در سازمان ملل برای امضای کشورها تقدیم شد. تفاوت این دو میثاق با اعلامیه جهانی حقوق بشر این است که کشورهای امضا کننده ملزم به اجرای آن‌ها اند؛ برخلاف اعلامیه حقوق بشر که فقط یک «اعلامیه» است و ضمانت اجرایی ندارد، این میثاق دولت‌های عضو را موظف می‌کند که حقوق اصلی و مهم پیش‌بینی شده و آن را با اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی در مورد همه آن‌ها رعایت کنند و میکانیزم‌هایی برای عملی شدن این منظور، پیش‌بینی شده است. (عباسی اشلقی؛ ۱۳۸۳: شماره ۲۰۱-۲۰۲)

باتصویب این میثاق‌ها یک انقلاب اساسی در زمینه حقوق بشر پدیدار گشت، به گونه‌یی که در اصطلاح متخصصین حقوق بشر از اعلامیه حقوق بشر و دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر به منشور یا لایحه بین‌المللی حقوق بشر تعبیر می‌شود. (thimas buergental؛ ۱۹۹۶: p۶)

قرار اظهار نماینده گروه بین‌المللی حقوق بشر در افغانستان هر دو میثاق در ژانویه ۱۹۸۳ توسط دولت وقت افغانستان امضا و هم‌زمان تصویب شد. به این ترتیب دولت ملزم به اجرای آن‌ها گردید؛ ولی قوانین داخلی برای تطبیق با این میثاق‌ها تغییر نیافت.

به تدریج مشخص شد که اعلامیه جهانی حقوق بشر و این دو میثاق برای در بر گرفتن حوزه‌های مهم حقوق بشر کفایت نمی‌کند؛ مثلاً در میثاق حقوق مدنی سیاسی منع شکنجه وجود دارد؛ اما ضرورت وجود یک میثاق جهانی برای رفع هر نوع شکنجه و آزار جسمی احساس شد تا کشور های ملحق شده به آن، ملزم به منع شکنجه در تمامی اشکال مختلف آن شوند، میثاقی که افغانستان نیز به آن پیوسته است.

به تدریج اسناد مهم دیگری هم تدوین شد که از جمله اصلی‌ترین آن‌ها میثاق رفع تبعیض علیه زنان و میثاق دفاع از حقوق کودکان است.

افغانستان در سال ۱۹۹۰ به این میثاق نیز پیوست و در سال ۱۹۹۴ با تصویب آن در داخل خود را ملزم به اجرای آن کرد؛ هرچند قید کرد بخش‌هایی را که موافق با روح قوانین اسلامی نباشد نمی‌پذیرد از این جهت راه برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت تا حدی باز گذاشته شد؛ در حالی که هنوز مشخص نشده است که چه بخش‌هایی را از این میثاق با قوانین

اسلامی در تناقض می‌داند؛ اما شاید در ارتباط با میثاق رفع تبعیض علیه زنان است که افغانستان بدترین کارنامه را دارد. این میثاق در سال ۱۹۷۹ برای امضا گشوده شد و افغانستان آن را امضا کرد بدون این که آن را به تصویب برساند و خود را ملزم به اجرای آن کند. گذشته از آن امضای این میثاق به معنای تعهد واقعی آن دولت در پایمال نکردن حقوق بشر نیست.

(Afghanistan watch.persianblog.ir/post/1)

افزون بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌ها و معاهدات بین المللی دیگری نیز در زمینه حقوق بشر به امضا و تصویب دولت‌ها رسیده است: «کنوانسیون منع شکنجه و رفتارها و مجازات خشن و غیر انسانی ۱۹۴۹»، «منع ژنو سایده ۱۹۵۱»، «محو هرگونه تبعیض نژادی ۱۹۴۹»، «کنوانسیون محو هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۸۷»، «کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۹۰» و در نهایت «کنوانسیون بین المللی حمایت از کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان» در ۱۹۹۰ از جمله کنوانسیون‌ها و اسناد مهم در زمینه حقوق بشر است که دولت‌ها را ملزم به رعایت آنان می‌سازد. به این ترتیب، می‌توان «حقوق بشر» به معنای قابل درک امروزی را فرایند تاریخی به شمار آورد که تا کنون با گذشت سه نسل مشخص و متمایز، سیر تکاملی داشته است؛ به عبارت بهتر، هر یک از جریان‌های تاریخی، زمینه‌های خاصی از حقوق بشر را که از آن‌ها تحت عنوان نسل‌های حقوق بشر یاد می‌شود، وارد عرصه حقوق و تکالیف نموده است. این سیر تاریخی در مفاهیم سه گانه حقوق فردی مدنی و سیاسی (نسل اول)، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم) و حقوق همبسته گی (نسل سوم) رقم می‌خورد. (هاشمی؛ ۱۳۸۸: ۲۰۷)

۲-۱. مفاد و درونمایه‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر

این اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده می‌باشد. مقدمه به توجیهات فلسفی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی تدوین و تصویب اعلامیه اختصاص می‌یابد. در این قسمت ضمن اشاره به مسایل بنیادین همچون وحدت خانواده بشری، گسترش روابط دوستانه و صلح آمیز بین ملت‌ها، حرمت ذاتی آدمی به مثابه چارچوب و بنیان آزادی، حقوق، عدالت و صلح در جهان

پرداخته و حقوق بشری را به عنوان آرمان و استاندارد مشترک برای همه ملت‌ها اعلام می‌کند تا هر انسان و هر عضو جامعه با به خاطر سپاری این «اعلامیه»، به جد در راه یادگیری و آموزش آن در جهت ارتقای حرمت برای چنین حقوق و آزادی‌هایی بکوشد و برای اقدام‌های پیشبرنده در سطح ملی و بین‌المللی تلاش کند تا [همواره] بازشناسی مؤثر و دیده بانی جهانی [این حقوق] را چه در میان مردمان ممالک عضو و چه در میان مردمان قلم‌روهای زیر فرمان آن‌ها [تحصیل و] تأمین نماید. (مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر)

مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر با توجه به محتوای آن‌ها به چندین بخش قابل رده بندی می‌باشد:

۱. ماده یک تا سه: ماده یک تا سه ضمن بیان مبنای فلسفی اعلامیه، بر اصول بنیادین حقوق بشری هم‌چون: آزادی، برابری و برادری تأکید و تمرکز ویژه دارد. ماده یک مشخصاً به این مسأله می‌پردازد که انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و به این ترتیب، آزادی حق طبیعی آن‌هاست. در ماده دوم هرگونه تمایز از حیث نژاد، مذهب، زبان و جنسیت ممنوع اعلام شده است. ماده ۳ تا ۱۱: این مواد اهم حقوق از قبیل حق حیات، حق آزادی، حق امنیت جامع، یعنی امنیت جانی، روحی، حیثیتی، شغلی، اجتماعی و اقتصادی، مصونیت از آزار و شکنجه، دسترسی به محاکم صالحه، منصفانه و بی‌طرف، برخورداری از ممنوعیت توقیف، حبس و تبعید خودسرانه را در بر می‌گیرد.

مواد ۱۲ تا ۱۷: روی هم رفته مواد ۱۲ تا ۱۷ به حق مالکیت فردی، جمعی و اجتماعی، حق پناهنده‌گی و حمایت خواهی در برابر خطرات و تهدیدات غیرقانونی و حق انتخاب محل زنده‌گی و حقوق خانواده می‌پردازد. خانواده در این موارد رکن طبیعی و اساسی اجتماع معرفی شده که حق برخورداری از حمایت جامعه و دولت را داراست.

مواد ۱۸ تا ۲۱: این بخش از اعلامیه، آزادی مذهب، عقیده و بیان، آزادی شرکت در تجمعات و تشکیلات و شرکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از حقوق مسلم و قطعی انسان‌ها به شمار آورده است.

مواد ۲۲ تا ۲۸: این بخش به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان که از لازمه کرامت انسانی است اختصاص دارد و در ضمن به بیان حقوق آزادی کار و شغل، بهره مندی از حق آموزش و پرورش، حق مالکیت فکری و حق برخورداری از تأمین اجتماعی می‌پردازد. مواد ۲۹ و ۳۰: در این دسته امکان تحدید حقوق و آزادی‌ها در سند اعلامیه مورد توجه قرار گرفته است و ضمن تأکید بر عناصر محدودکننده‌ی چون: حقوق و آزادی‌های دیگران، نظم عمومی و رفاه همه گانی، مفهوم جامعه، اصول و مقاصد سازمان ملل متحد نیز به عنوان عامل محدود کننده، ملحوظ شده است؛ بنا براین، حقوق و آزادی‌های فردی از نظراعلامیه مطلق نیستند؛ بلکه محدود و مقیداند؛ اما این محدودیت یک استثنا بوده و اصل بر عدم جواز تقيید و تحدید حدود است.

۲. بررسی قانون اساسی افغانستان

۲-۱. مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری افغانستان

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان طی سه مرحله و توسط ارگان‌های زیرسامان پذیرفت:

۱. کمیسیون تسوید قانون اساسی؛

۲. کمیسیون تدقیق قانون اساسی؛

۳. لویه جرگه قانون اساسی؛

بر اساس موافقت نامه بن کمیسیون تسوید قانون اساسی که دارای نه عضو بودند طی دستور و فرمانی از سوی حامد کرزی رئیس دولت انتقالی در ۱۳ میزان ۱۳۸۱ مطابق با ۵ اکتبر ۲۰۰۲ با شمول دو زن به ریاست پروفیسور نعمت الله شهرانی تشکیل گردید. این کمیسیون که از اقوام و مذاهب موجود در کشور نماینده گی می کرد وظیفه داشتند؛ پس از تهیه پیشنویس قانون اساسی آن را در اختیار کمیسیون تدقیق قانون اساسی قرار دهند. کمیسیون تدقیق که متشکل از ۳۵ عضو بود و نماینده گانی از اقوام عمده در آن عضویت داشتند، وظیفه داشت با

اندیشمندان، نخبه‌گان و فرهنگیان افغانستان در داخل و خارج از کشور به رایزنی و تبادل نظر بپردازند.

یکی از توافقات بن تشکیل لویه جرگه (بزرگترین مجمع بزرگان و شخصیت‌های قومی-اجتماعی) به منظور بررسی و تصویب قانون اساسی جدید تحت نظارت سازمان ملل متحد بود؛ براین اساس در ابتدا انتخابات سر تا سری برای انتخاب نماینده گان لویه جرگه تحت نظارت سازمان ملل برگزار گردید و ۴۵۱ نفر را که از طیف‌های مختلف جامعه نماینده گی می کردند انتخاب شدند و ۵۰ نفر نیز از سوی آقای کرزی به حیث رئیس دولت انتقالی از میان اقوام و مذاهب مختلف کشور به عنوان نماینده در لویه جرگه قانون اساسی منصوب گردیدند. در مجموع ۵۰۱ نماینده در لویه جرگه قانون اساسی در ۱۴ جدی ۱۳۸۲ گرد هم آمدند تا پس از غور و بررسی قانون اساسی جدید را در ۱۲ فصل و یک صد و شصت ماده به اتفاق آرا تصویب نمودند و در تاریخ ۶ دلو ۱۳۸۲ از طرف حامد کرزی توشیح و انفاذ آن اعلام گردید.

۲-۲. مفاد و درون مایه‌های قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان شامل یک مقدمه، ۱۲ فصل و یک صد و شصت ماده می باشد. مقدمه اعلامیه بیان کننده یک سری مسایل زیربنایی است که الهام بخش نویسندگان و تصویب کننده گان قانون اساسی بوده است؛ مانند ایجاد جامعه مدنی، حفظ کرامت انسانی، تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی. نکته اساسی که در مقدمه به آن پرداخته شده این است که تدوین و تصویب قانون اساسی مطابق با واقعیت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر صورت گرفته است.

فصل اول: وظایف دولت

فصل اول اختصاص به وظایف و مسؤولیت‌های دولت در قبال مردم دارد. مطابق با قانون اساسی حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد و دولت مکلف است به نماینده گی از

ملت اقدام کند. دولت موظف به ایجاد جامعه مرفه و مترقی براساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین اقوام و انکشاف (توسعه) متوازن در همه مناطق کشور می باشد. رعایت منشور ملل متحد، میثاقهای بین المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیگر وظایف دولت در قبال اتباع است.

فصل دوم: حقوق و آزادی های اساسی اتباع

فصل دوم قانون اساسی به بیان برخی از حقوق و آزادی های اساسی شهروندان اختصاص دارد. آزادی، برابری، منع تبعیض، حق تشکیل اجتماعات، تأسیس احزاب سیاسی، حق مالکیت فکری، حق داشتن شغل و حرفه، حق رجوع به محاکم و خصوصاً کمیسیون مستقل حقوق بشر از جمله حقوق و آزادی های اساسی افراد است که در این فصل به بیان آنها مبادرت به عمل آمده است.

فصل سوم: وظایف رئیس جمهور

رعایت قانون اساسی، حفاظت از استقلال، حاکمیت ملی و حراست از حقوق و منافع مردم افغانستان.

فصل چهارم: حکومت

وظیفه حکومت حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت از منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی است.

فصل پنجم: شورای ملی

شورای ملی مظهر اراده مردم و نهادی است که از قاطبه ملت نماینده گی می کند. شورا وظیفه دارد از مصالح و منافع علیای مردم پاسداری لازم را به عمل آورد.

فصل ششم: لویه جرگه

لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه در حالات زیر دایر می گردد:

۱. اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوطه به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور.

۲. تعدیل احکام قانون اساسی

۳. محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم قانون اساسی.

فصل هفتم: قوه قضائیه

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌باشد. قوه قضائیه مرکب است از ستر محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آن‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردد.

عضو ستر محکمه افزون بر آن که باید در علوم حقوقی و فقهی تخصص داشته باشد، دارای حسن سیرت و شهرت نیک بوده و از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

اعضای ستر محکمه وظیفه دارند که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین و وظیفه قضا را با کمال امانت، صداقت و بی طرفی اجرا نمایند.

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق‌های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آن‌ها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستر محکمه می‌باشد.

در محاکم افغانستان، محکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.

فصل هشتم: اداره

اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون تنظیم می‌گردد.

حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هر چه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیت های لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می شود. اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می گردند. شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید. برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها و قریه ها، مطابق به احکام قانون شوراها تشکیل می گردد. اعضای این شوراها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند.

فصل نهم: حالت اضطرار

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلام می شود. در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود.

فصل دهم: تعدیل

اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شوند. تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می باشد. تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یک صد و چهل و ششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می گیرد.

فصل یازدهم: احکام متفرقه

کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای

عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد. کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد. کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد. اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می‌شود.

فصل دوازدهم: احکام انتقالی

مدتی بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می‌شود. صلاحیت‌های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شورا به حکومت تفویض می‌شود و ستره محکمه موقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می‌گردد. این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می‌گردد. با نفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی می‌باشد.

تطبیق قانون اساسی افغانستان بر اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر

تمام ابنای بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند. عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر برادرانه رفتار کنند.

ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر

همه انسان‌ها بی‌هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، [وضعیت] دارایی، [محل] تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی‌های مصرح در این «اعلامیه» اند؛ به علاوه، میان انسان‌ها بر اساس جایگاه سیاسی، قلمرو قضایی و وضعیت بین المللی مملکت یا سرزمینی که فرد به آن متعلق است، فارغ از این که سرزمین وی مستقل،

تحت قیمومت، غیر خود مختار یا تحت هر گونه محدودیت در حق حاکمیت خود باشد، هیچ تمایزی وجود ندارد.

ماده بیست و دوم قانون اساسی افغانستان
هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و چهارم قانون اساسی افغانستان
آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده ۱۳ اعلامیه حقوق بشر

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.
ماده بیست و سوم قانون اساسی افغانستان
زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

ماده بیست و پنجم قانون اساسی افغانستان
برائت ذمه حالت اصلی است متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.
ماده بیست و هفتم قانون اساسی افغانستان
هیچ عملی جرم شمرده نمی شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود، مگر بر طبق احکام قانون.
هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به

احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل نافذ گردیده باشد.

ماده ۵ اعلامیه حقوق بشر

احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون بشری باشد یا موهن باشد.

ماده بیست و نهم قانون اساسی افغانستان

تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام قانون اساسی افغانستان

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده ۷ اعلامیه حقوق بشر

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض از حمایت قانون برخوردار باشند و حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

ماده بیست و دوم قانون اساسی افغانستان

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر

در برابر اعمالی که حقوق اساسی هر فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد حق رجوع مؤثر به محاکم صالحه را دارد.

ماده بیست و هفتم قانون اساسی افغانستان

هیچ شخص را نمیتوان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل نافذ گردیده باشد.

ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر

احدی نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.

ماده بیست و هفتم قانون اساسی افغانستان

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود، مگر بر طبق احکام قانون.

ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر

هیچ احدی نمی بایست در قلمرو خصوصی، خانواده، محل زنده گی یا مکاتبات شخصی، تحت مداخله [و مزاحمت] خودسرانه قرار گیرد. به همین سیاق شرافت و آبروی هیچ کس نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کسی سزاوار و محق به حفاظت قضایی و قانونی در برابر چنین مداخلات و تعرضاتی است.

ماده سی و هفتم قانون اساسی افغانستان

آزادی و حریمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلیفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است. دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده ۱۵ اعلامیه حقوق بشر

هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد. احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود محروم کرد یا به حق تغییر تابعیت محکوم کرد.

ماده بیست و هشتم قانون اساسی افغانستان

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی‌شود، مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان‌های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد. هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی‌شود.

بند ۳ ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر

خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

ماده پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان

خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام، تدابیر لازم را اتخاذ می‌کند.

ماده ۱۷ اعلامیه حقوق بشر

احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود هر شخص منفرداً یا به طور اجتماعی حق مالکیت دارد.

ماده چهلیم قانون اساسی افغانستان

ملکیت از تعرض مصون است. هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی‌شود؛ مگر در حدود احکام قانون. ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی‌شود. استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می‌باشد. تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها

به حکم قانون صورت می گیرد.

ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر

هر انسانی محق به داشتن آزادی اندیشه، وجدان و دین است؛ این حق شامل آزادی دگراندیشی، تغییر مذهب [دین]، و آزادی علنی [و آشکار] کردن آیین و ابراز عقیده، چه به صورت تنها، چه به صورت جمعی یا به اتفاق دیگران، در قالب آموزش، اجرای مناسک، عبادت و دیده بانی آن در محیط عمومی و یا خصوصی است.

ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر

هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده [بی بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جست و جو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌یی بدون ملاحظات مرزی است.

ماده سی و چهارم قانون اساسی افغانستان

آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی، پردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر

هر انسانی محق به آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن‌های مسالمت آمیز است. هیچ کس نمی بایست مجبور به شرکت در هیچ انجمنی شود.

ماده سی و پنجم قانون اساسی افغانستان

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیتها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر این که:

مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد. جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی‌شود.

ماده سی و ششم قانون اساسی افغانستان

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر

هر شخصی حق دارد که در مدیریت دولت کشور خود، مستقیماً یا به واسطه انتخاب آزادانه نمایندگانی شرکت جوید. هر شخصی حق دسترسی برابر به خدمات عمومی را در کشور خویش دارد. اراده مردم می‌بایست اساس حاکمیت دولت باشد؛ چنین اراده‌یی می‌بایست در انتخابات حقیقی و ادواری اعمال گردد که مطابق حق رأی عمومی باشد که حق جهانی و برابر برای همه است. رأی گیری از افراد می‌بایست به صورت مخفی یا به طریقه مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند.

ماده سی و سوم قانون اساسی افغانستان

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر

هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را با رعایت تشکیلات و

منابع هر کشور به دست آورد.

ماده سی و هشتم قانون اساسی افغانستان

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه باصلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مامور مسؤول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر

هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید. شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

ماده چهل و هشتم قانون اساسی افغانستان

کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر

آموزش و پرورش حق همه گان است. آموزش و پرورش می بایست، دست کم در دروه های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همه گان قرار گیرد. آموزش ابتدایی می بایست اجباری باشد. آموزش فنی و حرفه یی نیز می بایست قابل دسترس برای عموم مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر اساس شایسته گی های فردی صورت پذیرد.

ماده چهل و سوم قانون اساسی افغانستان

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به

صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌شود. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند، فراهم کند.

اصل حاکم بر اعلامیه

اعلامیه جهانی شروطی را حاکم بر خود دانسته اند که طی ماده ۲۹ و ماده ۳۰ بیان شده است. ماده ۲۹ می‌گوید:

«هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است. این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد».

ماده ۳۰ نیز می‌گوید:

«هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در راه آن فعالیت بنماید».

باتوجه به این دو ماده عناصر محدودکننده حقوق و آزادی‌ها در اعلامیه عبارتند از:

۱. حقوق و آزادی‌های دیگران؛

۲. نظم عمومی و رفاه همه گانی؛

۳. رعایت مقتضیات عادلانه اخلاق؛

۴. مفهوم جامعه؛

نکته مهم این است که برغم آن که اعلامیه در بیان محدودیت‌ها، از زبان ایجابی استفاده کرده؛ اما این محدودیت‌ها به گونه‌ی بیان شده است که استثنایی بودن تحدید به خوبی از آن

قابل استفاده است.

اصل حاکم بر قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان شروطی را حاکم بر خود دانسته است که طی مواد زیر بیان شده است:

ماده دوم

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.

ماده سوم

در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده پنجاه و نهم

هیچ شخص نمی‌تواند با سوءاستفاده از حقوق و آزادی‌های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

باتوجه به مواد سه گانه فوق الذکر عناصر محدودکننده حقوق و آزادی‌های اساسی

عبارتند از:

۱. احکام و معتقدات دین مقدس اسلام؛

۲. استقلال کشور؛

۳. تمامیت ارضی؛

۴. حاکمیت و وحدت ملی؛

۵. مصالح عامه؛

۶. آزادی دیگران؛

اشتراکات و افتراقات اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان

اعلامیه جهانی حقوق بشر با قانون اساسی افغانستان در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی

انسان در اصول و کلیات و در فروعات در اکثر موارد همسانی‌ها و اشتراکاتی زیادی باهم دارند و در برخی از اصول و فروعات و مصادیق تفاوت‌های بارزی میان آن دو به چشم می‌خورد که در بحث آتی به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

اشتراکات

اشتراکات جزئی

این دو سند که یکی ملی و دیگری جهانی می‌باشد مشترکات و همسانی‌های زیادی باهم دارند که در زیر به طور اجمال به بیان برخی از آن‌ها اقدام و مبادرت صورت می‌گیرد:

اشتراکات جزئی

هم اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم قانون اساسی افغانستان نتیجه چندین دهه جنگ ویرانگر است. هر دو از خاستگاه احساسی-فلسفی برخاسته است. هر دو نتیجه کار و تلاش کمیسیون تدوین است. هر دو در قالب مواد تنظیم یافته است. هر دو با حقوق حمایت از افراد سر و کار دارد و دنبال تحقق یک هدف اند و آن تضمین حقوق و آزادی‌های بشر می‌باشد. در هر دو سند از خانواده به عنوان پایه ساختار جامعه نام برده شده است. اعلامیه جهانی توسط کمیسیون ۹ نفره شامل ۱. خانم النور روزولت از ایالات متحده امریکا؛ ۲. آقای رنه کاسن از فرانسه؛ ۳. آقای شارل مالک از لبنان؛ ۴. آقای پنگ چون از چین؛ ۵. آقای هرنان سانتا کروز از شیلی؛ ۶. آقایان لرداگستن و جوفری؛ ۷. ویلسون از انگلستان؛ ۸. آقای ویلیام دگسون از استرالیا؛ ۹. جان همفری از کانادا به نماینده گی از کشورهای مختلف تدوین یافت. ریاست اعضای کمیسیون هسته‌یی اعلامیه حقوق بشر را خانم روزولت بر عهده داشت- آن را یک زن خانم النور روزولت، همسر رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا- تسوید قانون اساسی افغانستان نیز توسط کمیسیون نه نفره به ریاست پروفیسور «نعمت الله شهرانی» آن هم زیر نظر سازمان ملل ویرایش و در نهایت به تصویب و توشیح رسیده است. از هر دو سند تخطی صورت گرفته است؛ برای مثال: منع شکنجه.

اشتراکات اصولی

۱. حق حیات و زنده گی
 ۲. حق کرامت، حرمت و منزلت انسانی
 ۳. حق آزادی
 ۴. حق مساوات و برابری و منع تبعیض
 ۵. حق امنیت جامع
 ۶. حق مصونیت از آزار و شکنجه، توهین، تحقیر و...
 ۷. حق دسترسی به محاکم صالحه
 ۸. حق برخورداری از اصل برائت
 ۹. حق انتخاب (حق انتخابات آزاد، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن)
 ۱۰. حق مالکیت مادی و فکری
 ۱۱. حق آزادی عقیده و بیان و ممنوعیت تفتیش
 ۱۲. حق تأسیس حزب و مشارکت در اتحادیه‌ها و تشکله‌ها
 ۱۳. حق برخورداری از علوم و فنون
 ۱۴. حقوق متقابل دولت و ملت
 ۱۵. حق مشارکت در امور اجتماعی و عمومی کشور
 ۱۶. حقوق و آزادی‌های اساسی مطلق و بی قید و شرط نیست؛ توضیح این که: اعلامیه حقوق و آزادی‌ها را تابع اخلاق، نظم عمومی، رفاه همه گانی و محدودیت می‌داند.
 ۱۷. مبنای فلسفی حقوق و آزادی‌های اساسی این است که تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده‌اند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.
- امور فوق نشان می‌دهد که هر دو در اصول و کلیات همسان و مشترک‌اند؛ به طوری که گویا قانون اساسی از اعلامیه متخذ شده و یا در تدوین آن اعلامیه مورد توجه قرار گرفته و با

آن کاملاً منطبق است؛ اما برغم این اشتراکات که این دو سند با هم دارند در برخی از فروعات و مصادیق، تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. مهمترین تفاوت این دو در امور زیر خلاصه می‌گردد:

افتراقات

افتراقات جزئی

اعلامیه محصول جنگ بین المللی و جهانی دوم است؛ اما قانون اساسی افغانستان محصول جنگهای درون کشوری است.

اعلامیه در آغاز جنگ سرد و دو قطبی تکوین یافت؛ ولی قانون اساسی افغانستان در جهان تک قطبی تدوین گردید.

اعلامیه در قالب سی ماده ارائه و تنظیم شده؛ ولی قانون اساسی در چارچوب یکصد و شصت ماده و ۱۲ فصل ارائه گردیده است.

اعلامیه اعتبار جهانی دارد؛ اما قانون اساسی نه از اعتبار بین المللی و نه از اعتبار ملی برخوردار است؛ بنا براین، اعلامیه جهان شمول است؛ ولی قانون اساسی، افغانستان شمول. به دیگر سخن حقوق بشر در اعلامیه کاملاً جهانی است؛ اما قانون اساسی ضمن آن که دسته‌یی از آن‌ها جهانی هستند؛ اما دسته‌یی مهم دیگر داخلی می‌باشند. اعلامیه در چارچوب سازمان ملل متحد شکل گرفته؛ اما قانون اساسی خارج از سازمان و با حمایت سازمان و زیر نظر سازمان به وجود آمده و ویرایش شده است.

مخاطب اعلامیه تمام دولت‌ها و ملت‌هاست؛ ولی مخاطب قانون اساسی دولت و ملت افغانستان است. هر چند هر دو سند به دنبال تضمین حقوق و آزادی‌های بشر می‌باشد؛ لکن هر کدام به شیوه خاص خود برای تحقق آن تلاش می‌کنند.

افزون بر وجوه تقارب و تشابه مذکور تجلی مفاهیم حقوق بشری اعلامیه در قانون اساسی افغانستان است. بررسی تطبیقی مواد اعلامیه و قانون اساسی افغانستان نشان می‌دهد که به نوعی ملهم از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده اند.

افتراقات اصولی و اساسی

قانون اساسی صحت خود را منوط به تأیید شریعت اسلامی دانسته که از نظر حقوقی تضعیف نمودن مواد اعلامیه محسوب می‌گردد. قوانین اسلامی تنها مرجع برای تفسیر هر ماده است؛ اما تفسیر بندهای اعلامیه منوط به حفظ حقوق و آزادی‌های اعلامیه دانسته میشود و تصویب هیچ قانونی را که با اصل منشور ملل متحد در تضاد باشد نمی‌پذیرد.

ماده دوم

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.

ماده سوم

در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد. تفاوت اساسی حق آزادی تغییر مذهب در اعلامیه و قانون اساسی است. ماده ۱۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ضمن بیان حق آزادی مذهب تصریح می‌کند که حق آزادی مذهب شامل آزادی تغییر مذهب نیز می‌شود؛ یعنی، هر کس ضمن این که در داشتن هرگونه مذهب آزاد است و کسی را نمی‌توان مجبور کرد دست از مذهب خود بردارد و به مذهب دیگری گرایش پیدا کند، این حق را نیز دارد که آزادانه از مذهبی دست بردارد و مذهب دیگری را انتخاب نماید. براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ و حقوق بشر امریکایی مصوب ۱۹۶۹ حق آزادی وجدان و مذهب شامل آزادی حفظ یا تغییر مذهب می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۱۲ حقوق بشر امریکایی چنین آمده است:

هیچ کس را نمی‌توان از حق حفظ یا تغییر مذهب محروم کرد؛ در حالی که تغییر مذهب در خصوص تغییر مذهب اسلام به مذهب دیگر، همان چیزی است که از آن به ارتداد تعبیر می‌شود و چنان که می‌دانیم و معروف است، ارتداد از نظر مقررات اسلامی به اجماع فریقین سنی و شیعه ممنوع است و شخص مرتد مستوجب مجازات است از آن جا که در قانون اساسی

احکام و معتقدات اسلام تحدیدکننده حقوق و آزادی محسوب می‌شود می‌توان گفت تغییر مذهب از اسلام مشروعیت ندارد.

تفاوت اساسی دیگر آزادی فرد در انتخاب همسر است. در ماده ۱۶ اعلامیه آزادی زن و مرد در انتخاب همسر مطرح می‌شود و این آزادی انتخاب، از نظر ملی، نژادی، دینی، مذهبی، فردی، خانواده‌گی و شرایط مختلف دیگر مصادیق فراوان دارد، هر چند همه موارد در قانون اساسی افغانستان مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ اما به حکم ماده سوم که می‌گوید:

در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد. معلوم می‌گردد که در ازدواج مسلمان کفو بودن از نظر اسلامیت شرط است؛ یعنی، زن و مرد مسلمان فقط می‌تواند با مسلمان ازدواج کند. اعلامیه بر اساس احترام به همه ادیان الهی و غیر الهی نوشته شده و جهان شمول است؛ ولی قانون اساسی افغانستان برای یک جامعه اسلامی تدوین یافته است؛ از این جهت آزادی ادیان را در افغانستان در چارچوب قانون محدود می‌کند. قانون اساسی افغانستان همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر تساوی حقوقی زن و مرد را به رسمیت شناخته و مصادیق تساوی را مسایلی همچون: مشارکت سیاسی زنان (ماده ۳۳)، برخورداری از حق تابعیت (ماده ۴)، حق تعلیم (ماده ۴۳)، حق کار (ماده ۴۸) و برابری در برابر قانون (ماده ۲۲) را ذکر می‌کند؛ اما از آنجا که این حقوق و آزادی‌ها را در چارچوب احکام و معتقدات اسلامی مورد پذیرش قرار می‌دهد، با اعلامیه جهانی حقوق بشر متفاوت می‌گردد؛ زیرا، در اسلام حقوق زن و مرد در مجموع با هم مساوی است؛ ولی مشابه نیست؛ یعنی، در برخی موارد در عین مساوات، عینیت و مشابهت ندارد و در عین حال مساوی، هموزن و مثل هم است «ولهنّ مثل الذی علیهن»؛ ولی اگر مساوات به معنای عینیت در تمام موارد و مشابهت کامل تفسیر شود در برخی موارد با احکام و حقوق خانواده‌گی اسلام متفاوت خواهد بود. (هریسی؛ ۱۳۸۸: ۷۲).

در تحلیل نهایی باید چنین بیان کرد که اکثریت حقوق مصرح در اعلامیه جهانی حقوق

بشر در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان آمده است و به لحاظ شناسایی قانون اساسی بسیاری از حقوق و آزادی‌ها را شناسایی کرده است؛ اما این شناسایی می‌بایست صرفاً مقید به قیودی باشد که در خود اعلامیه جهانی پیش بینی شده است. افزون بر این‌ها در قانون اساسی افغانستان عناصر زیر نیز می‌توانند اعمال محدودیت‌هایی را در مورد حقوق و آزادی‌های بنیادین توجیه کنند: رعایت احکام اسلام، استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی و در نتیجه هرگاه اعمال یک حق به اصول فوق آسیب وارد کند، حقوق یا آزادی‌های دیگران را نقض کند، می‌توان آن را محدود و مقید ساخت.

نتیجه

۱. باتوجه به وجوه افتراق و اشتراک اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان می‌توان گفت که امکان جمع بین اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان به صورت موجهه جزیه است نه موجهه کلیه، یعنی در مجموع میان بخش‌های قابل توجهی از مفاد اعلامیه و قانون اساسی افغانستان امکان جمع وجود دارد؛ بنابراین، هم‌پوشانی کاملی میان این دو وجود ندارد؛ مواردی از ناسازگاری میان این دو به چشم می‌خورد.

۲. قانون اساسی افغانستان همانند اعلامیه جهانی نه صرفاً خواستگاهی تماماً احساسی و نه کاملاً فلسفی داشته است؛ بلکه تلفیق از این دو می‌باشد؛ به این معنا که تدوین و تصویب قانون اساسی افغانستان همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر در عین برخاسته‌گی از جنبه‌های احساسی از مبانی فلسفی نیز نشأت گرفته است. با توجه بر این که فصل الخطاب قانون اساسی احکام دین اسلام است اجمالاً باید پذیرفت که در نسبت سنجی میان مبانی معرفتی این دو سند، به مبانی متعددی می‌رسیم؛ بنابراین، مبانی شکل دهنده به قانون اساسی، با مبانی معرفتی اعلامیه سازگاری ندارد.

۳. قانون اساسی ظرفیت‌های یک قانون اساسی مردم سالار و مبتنی بر ارزش‌های حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پذیرفته شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را دارد.

۴. حقوق هم در اعلامیه و هم در قانون اساسی جنبه طریقت دارد و به خودی خود موضوعیت ندارد؛ بدین معنی که در خدمت ارزش‌های همچون کرامت انسانی، حق حیات، عدالت و ... است. بدین ترتیب، هدف هر دو تحقق ارزش‌های اساسی در کشور و جوامع است.

مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان		
متغیر مورد بحث	اشتراکات	اختلافات
اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان	۱) هر دو نتیجه چندین دهه جنگ ویرانگر است.	۱) اعلامیه محصول جنگ بین‌المللی است؛ اما قانون اساسی افغانستان محصول جنگ-های درون‌کشوری است.
	۲) هر دو در قالب مواد تنظیم و سامان یافته است.	۲) اعلامیه در قالب سی ماده؛ ولی قانون اساسی در قالب یکصد و شصت ماده و ۱۲ فصل تنظیم شده است.
	۳) هر دو از اعتبار برخوردار است.	۳) اعلامیه اعتبار جهانی دارد؛ اما قانون اساسی بخش‌های حقوق بشری آن اعتبار جهانی و قسمت‌های زیاد آن اعتبار ملی دارد.
	۴) هر دو سازمان ملل نقش داشته است.	۴) اعلامیه در چارچوب سازمان ملل؛ اما قانون اساسی خارج از سازمان و با حمایت و نظارت سازمان شکل گرفته است.
	۵) هر دو توسط کمیسیون ۹ نفره تدوین یافته است.	۵) اعلامیه توسط کمیسیون و با ریاست یک زن (خاتم روزولت) و قانون اساسی توسط کمیونی با ریاست یک مرد (نعمت‌الله شهبازی) تدوین شده است.
	۶) مخاطب هر دو دولت است.	۶) مخاطب اعلامیه تمامی دولت‌ها و ملت‌هاست؛ ولی مخاطب قانون اساسی دولت-ملت افغانستان است.
	۷) هر دو در دوران قطعی بودن قدرت تکوین یافته است.	۷) اعلامیه در آغاز جنگ سرد و دو قطبی بودن قدرت؛ ولی قانون اساسی در جهان یک قطبی تکوین یافته است.

مقایسه تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی انسان		
متغیر مورد بحث	اشتراکات	افتراقات
شاخص مقایسه حقوق و آزادی‌های اساسی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان	۱) حقوق و آزادی‌های اساسی در هر دو سند خواستگاه انسانی - فلسفی داشته است. ۲) قانون اساسی همچون اعلامیه ظرفیت‌های یک سند مردم سالار و مبتنی بر ارزش‌های حقوق بشری را داراست. ۳) حقوق و آزادی‌های انسان در هر دو سند جنبه ظرفیت دارد. ۴) هدف هر دو تحقق ارزش‌های بنیادین حقوق بشری است. ۵) هر دو آزادی بیان و مذهب رایه رسمیت شناخته است. ۶) در هر دو تساوی حقوقی زن و مرد مورد پذیرش قرار گرفته است. ۷) حقوق و آزادی‌های انسان در هر دو سند مطلق نیستند.	۱) در اعلامیه حقوق و آزادی‌های برخاسته از احساسات جهانی در قانون اساسی حقوق و آزادی‌های برخاسته از احساسات ملی است. قانون اساسی ضمن حفظ پرمیانی فلسفی حقوق بشر مبانی فلسفی و معرک‌های اسلام را نیز ملحوظ نگاشته است. ۲) اعلامیه ظرفیت یک سند مردم سالار را در سطح جهانی دارد؛ ولی قانون اساسی از این لحاظ محدود به افغانستان می‌باشد. ۳) حقوق و آزادی در اعلامیه در خدمت ارزش‌های جهان شمول، اما حقوق و آزادی‌های متدرج در قانون اساسی در خدمت ارزش‌های افغانستان شمول است. ۴) هدف اعلامیه تحقق ارزش‌های بنیادین در سطح بین‌المللی است؛ ولی در قانون اساسی در سطح ملی. ۵) در اعلامیه آزادی مذهب، آزادی تغییر مذهب را نیز شامل است؛ اما قانون اساسی تنها آزادی مذهب به رسمیت شناخته شده است. ۶) در قانون اساسی تساوی حقوقی زن و مرد در چارچوب احکام و معتقدات اسلامی مطرح شده است. ۷) اصول حاکم بر اعلامیه بیارتند از: حقوق و آزادی - های دیگران، نظم عمومی و رقاء همه گانی، رعایت مقتضیات عادلانه اخلاق و مفهوم جامعه دموکراتیک. اصول حاکم بر قانون اساسی بیارتند از: احکام و معتقدات اسلامی، استقلال کشور، ثبات ارضی و حاکمیت ملی، مصالح جامعه و آزادی دیگران.

منابع

۱- اعلامیه و برنامه عمل وین. (۱۹۹۳). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات

وزارت امور خارجه.

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر.

- ۳- جانسون، گلن. (۱۳۷۸). **اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخ جهان**. ترجمه محمد جعفر پوینده. تهران: نشرنی.
- ۴- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۰). **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم**. تهران: جزوه درسی دانشگاه امام صادق.
- ۵- ذاکریان، مهدی. (۱۳۸۱). **حقوق بشر در هزاره جدید**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- شریفیان، جمشید. (۱۳۸۰). **راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد**. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۷- شیخا، ابراهیم عبدالعزیز. (۱۳۷۴). **کلیاتی در باره قانون اساسی**. ترجمه سرور دانش. چاپ شده در «سراج»، سال اول، شماره‌های ۳ و ۴.
- ۸- عباسی اشلقی، مجید. (۱۳۸۳). **تحول نظری مفهوم حقوق بشر و جایگاه آن در روابط بین‌الملل**. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، خرداد و تیر، شماره ۲۰۱ - ۲۰۲، ص ۹۵.
- ۹- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- قانون اساسی افغانستان
- ۱۱- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). **حقوق بشر و آزادیهای اساسی**. تهران: نشر میزان.
- ۱۲- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). **«اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر اسلام»**. حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر از تیوری تا عمل. چاپ شده در حقوق بشر در

جهان معاصر.

۱۳- هاشم زاده، هریسی. (۱۳۸۸). «اعلامیه جهانی حقوق بشر از منظر اسلام».

چاپ شده در «حقوق بشر در جهان معاصر»، انتشارات آیین احمد.

14-Afghanistan watch.persianblog.ir/post/10.

15-carlos vilian duran the universal declaration of human rights strasbourg:1.1.h.r. 1998 p.55.

16-thimas buergental anternational human rights eaan: west publishingco n1996.

17-w.a.shabas dimensions jurdigues et judiciaires des droit de l'homme Strasbourg: recueil des cours 1.1.d.h 1996 p.77p6